

کمپان

ایشاره

پرونده داعش در عراق در حال بسته‌شدن است و با پتانسیل ایجاد شده پس از **آزادسازی موصل**. طیولر این گروه تروریستی خیلی زودتر از حد انتظار در شهرهای کوچک «الحوچه»، «تل عفر» و «القامه» بسته خواهد شد.

اما غلغله تروریسم در عراق مانند مثلتی است که دو ضلع دیگر هم دارد: یکی حامیان آنها هستند که طشت ر سواری آنها مدت‌هاست افتاده و از کوچک و بزرگ و کارشناس و غیر کار شناس، همه می‌دانند چه کشورهایی از آنها حمایت می‌کرده‌اند. ضلع دیگر، تحولات سوریه است؛ در بلیشوی بحران‌های رنگارنگی که منطقه را فرا گرفته، هیچ دو کشوری را نمی‌توانیم بیابیم که تا این حد سرنوشست آنها به هم گره خورده باشد. این گره با دستان آمریکا و با موجودیت یافتن «دولت اسلامی عراق و شام» (با همان داعش)، زده شد. لذا، طبیعی است که هر گونه تحولی در عراق، هم حامیان داعش را رنگارن می‌کند و هم بر تحولات سوریه اثر می‌گذارد.

این تصویر سه‌بعدی، حد و مرز بحران را به خوبی نشان می‌دهد و در مقاله حاضر نیز مبنای توصیف و تحلیل شرایط موجود قرار می‌گیرد. نقطه نقل توجه نویسنده نیز کشور سوریه خواهد بود، چرا که به زعم نویسنده، همان طور که عراق رو به آرامش می‌رود، شرایط سوریه، طی هفته‌ها و ماه‌های آینده به خاطر مداخلات آمریکا و اسرائیل، حساس تر خواهد شد.

سوریس خارجی
--

یکی از کارویژه‌های سیستم‌ها و نظام‌ها، عادی جلوه دادن شرایط است. این چیزی است که این روزها در ارتباط با آمریکا و عراق، کم و بیش صدق می‌کند؛ همه می‌دانند که در عراق اتفاق بزرگی افتاده است، اتفاقی که احتمالا همه‌چیز را در حد و اندازه ژئوپلیتیک غرب آسیا زبرور خواهد کرد و پس‌ازرژهای آن به کل جهان نیز خواهد رسید. در ارتباط با تأثیرگذاری واقعه موصل، از همه مهم‌تر و از همه تأثیرپذیرندتر، کشور سوریه است و همه می‌دانیم که پیامد این واقعه در سوریه، فوری و عمیق خواهد بود.

عراقی‌ها با خود عهده کرده‌اند که به محض یکسره کردن کار داعش، به کمک دولت دمشق و نیروهای مقاومت بشنابند. این اشتیاق از زبان همه در عراق جاری است؛ از نخست‌وزیر و وزیر دفاع و فرماندهان ارتش و پلیس و بسیج مردمی عراق، همه



برای همکاری با دولت سوریه سر از پا نمی‌شانند و البته، پختر است بگوئیم که همین الان هم صدها نیروی داوطلب عراقی از جنبش نجبا گرفته تا سایر زیرمجموعه‌های بسیج مردمی در استان‌های حلب و حمص و دیرزور حضور دارند و با تکفیری‌ها می‌جنگند.

مسود دیگری که باز آن هم یک تحول بزرگ محسوب می‌شود و خواب و رؤیای آمریکا را در منطقه باطل می‌کند، گرایش قلبی عراقی‌ها به ایران است؛ ۱۴ سال حضور آمریکا و سپس داعش در عراق، هرچند برای توده‌های مظلوم و جامعه عراق بیزهزینه و زجرآور بوده، ولی یک چیز را در عمل به هم نشان داده و آن، مشخص شدن دوست و دشمن عراق است.

به طور معمول، رژیم عربستان برای همسو کردن ملت عراق با خود، از دو حربه استفاده می‌کرده و این همسویی را نیز علیه ایران به کار می‌برد است؛

این‌گونه فکر کنند. آنها باید متوجه باشند چیزی که در عراق رخ داده، خارق عادت است و علاقه به ایران و پیچیده شدن پرونده داعش، برای نظم آمریکایی در منطقه ساختارشکن هستند و خصوصا همه چیز را برای آمریکا و اسرائیل در سوریه به هم می‌ریزند و حداقلش این است که کل آمریکا را در سوریه سخت می‌کنند. به همین خاطر سوریه روزهای سرنوشت‌ساز و حساسی را پیش‌رو دارد.

دریچه‌ای به جهان

کرد که پس از خروج آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ کرده بودند.

لذا، همه باید آماده باشند و دست دشمن را پیشاپیش بخوانند. دراز کردن دست برادری با ایران و نبرد سخت با همه تکفیری‌ها در سوریه، مسلماً آمریکا را زمین‌گیر خواهد کرد.

سوریه

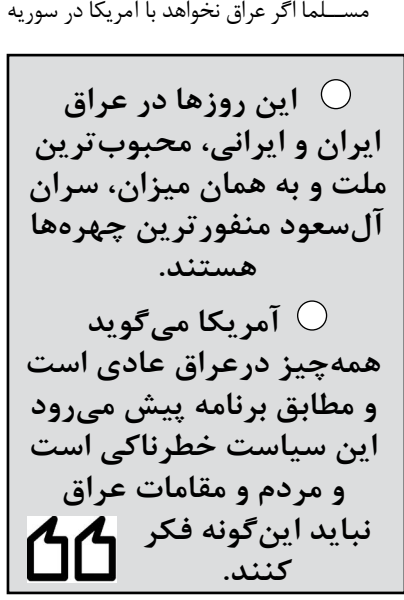
بحران سوریه از همان ابتدا، به چهار دلیل

آمریکا تا کجا می‌تواند مقابل دمشق و متحدانش بایستد؟

پایان داعش در عراق روزهای حساسی در سوریه

سبحان محقق

پیچیده‌تر از بحران عراق بوده است، اول، حضور علنی و غیرعلنی بازیگران و قدرتهای منطقه‌ای و شدن آنچه را که آمریکا در رابطه با عراق از این پس بدان نیاز دارد، همسویی است این همسویی می‌تواند بدون فشار باشد و عراقی‌ها همه رنج‌ها و بدبختی‌های سال‌های اخیر را نادیده بگیرند و به جمع متحدان مرتجع آمریکا در منطقه بپیوندند و سرنوشت خود و ملت خود را یک بار دیگر به آمریکا بسپرنند و به عبارت دیگر، در دور باطل خود را گرفتار کنند. یا اینکه یک رویه مستقل و مبتنی بر منافع ملی و ارزش‌های خود پیشه کنند و افق‌های جدیدی را پیش روی ملت عراق قرار دهند.



ایران و ایرانی، محبوب‌ترین ملت و به همان میزان، سران آل‌سعود منفورترین چهره‌ها هستند.

آمریکا می‌گوید همه‌چیز درعراق عادی است و مطابق برنامه پیش می‌رود این سیاست خطرناکی است و مردم و مقامات عراق نباید این‌گونه فکر کنند.

همراه شود، باید خود را برای برخی شیطنت‌ها که البته در مقایسه با قبل، کمتر موثر هستند، آماده کرد. اقداماتی مثل ندادن سلاح به دولت و ارتش سعودی‌ها زنان و کودکان بی‌گناه را می‌کشدند و بازار جهانی، تحریم و ایجاد تفرقه و دودستگی مجدد در بطن جامعه و در روند سیاسی، دور از ذهن نیستند.

عراقی‌ها باید خود را آماده کنند و قبل از آنکه آمریکا‌ها سوییچ توطئه را بچرخانند، حرکت‌های آنها را خنثی نمایند.

از این پس، ایران‌هراسی، ایران‌ستیزی و ایجاد حساسیت‌های دروغین نسبت به ایران، در عراق دامن زده می‌شود. این جریان در درون جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای عراق نمایندگان دارد و سفیر آمریکا و عوامل دیپلماتیک و رسانه‌ای رژیم‌های مرتجع عربی هم آتش‌بار معرکه خواهند بود. یعنی درست همان وضعیتی را مهندسی خواهند

امنیتی هستند. روسیه در ماجراهای اوکراین و گرجستان و ماجراهای مشابه، فقط از جانب آمریکا و ناتو محرک دریافت می‌کرد و به شیوه انفعالی، به این محرک‌ها پاسخ می‌داد. اما، در ماجرای سوریه، با ایفای نقش فعال، این بار خودش به آمریکا محرک وارد کرد و تمام طرح‌های واشنگتن را به هم ریخت.

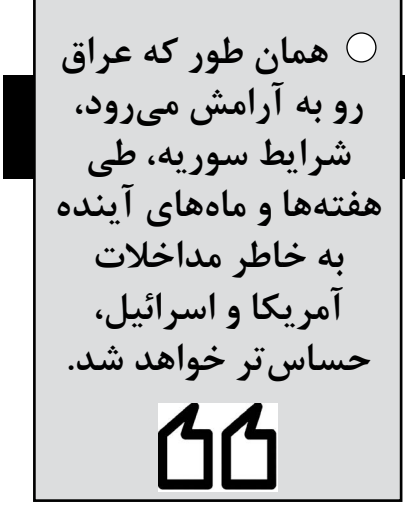
به هرحال، در حال حاضر آمریکا به گفت‌وگو

در سه استان جنوب غربی سوریه که هم مرز با اسرائیل هستند، یعنی استان‌های «درعا»، «قنبره» و «السویدا»، جلب کند. آمریکا در سال ۲۰۱۱ به خاطر امنیت اسرائیل، سوریه را به هم ریخت و این کشور را طی یک جنگ شش ساله، ششمین زد. اکنون هم آمریکا با روسیه به خاطر امنیت اسرائیل، بر سر آتش‌بس، به توافق رسسید، و همانطور که دیدیم، این توافق به راحتی

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۶
۱۸ شوال ۱۴۳۸ – شماره ۲۱۶۷۰

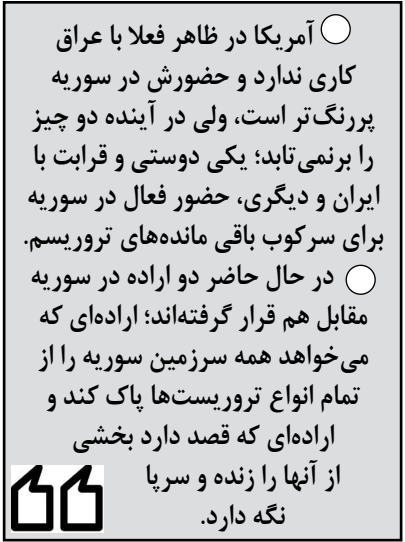
پیچیده‌تر خواهد شد.

آمریکا در ظاهر فعلا با عراق کاری ندارد و حضورش در سوریه پرنرگ‌تر است، ولی در آینده دو چیز را برنمی‌تابد؛ یکی دوستی و قربایت با ایران و دیگری، حضور فعال در سوریه برای سرکوب باقی مانده‌های تروریسم.



واشنگتن برای اینکه بتواند لژری کشور رسته از داعش عراق را مهار کند، احتمالا از این پس به اختلافات سیاسی در بغداد دامن خواهد زد، دشمنی با ایران را زنده خواهد کرد و دولت بغداد را نیز از طریق فشار محدودیت‌های اقتصادی و حتی تحریم، تحت فشار قرار خواهد داد تا نظم آمریکایی را در سوریه بپذیرد.

یکی از فوری‌ترین اهداف و برنامه‌های که آمریکا در عراق به اجرا درخواهد آورد، جریان‌سازی علیه نیروهای بسیج مردمی خواهد بود. این برنامه‌ای است که طی ماه‌ها و سال‌های آتی آمریکا در عراق به اجرا در می‌آورد، تا از بغداد یک دولت دست‌آموز و مطیع بسازد. هرچند که این برنامه آمریکا نیز در عمل نتیجه عکس خواهد داد. در سوریه اما، شرایط بسیار پیچیده‌تر است و آمریکا مجبور است یک سناریوی چند وجهی را



آمریکا در ظاهر فعلا با عراق کاری ندارد و حضورش در سوریه پرنرگ‌تر است، ولی در آینده دو چیز را برنمی‌تابد؛ یکی دوستی و قربایت با ایران و دیگری، حضور فعال در سوریه برای سرکوب باقی مانده‌های تروریسم. در حال حاضر دو اراده در سوریه مقابل هم قرار گرفته‌اند؛ اراده‌ای که می‌خواهد همه سرزمین سوریه را از تمام انواع تروریست‌ها پاک کند و اراده‌ای که قصد دارد بخشی از آنها را زنده و سرپا نگه دارد.

به اجرا درآورد. شعار واشنگتن طی ماه‌های آتی، همسویی با مسکو برای حبل بحران سوریه خواهد بود؛ شاخص‌های این همسویی مواردی مثل حفظ امنیت اسرائیل، ایجاد مناطق کاهش تنش در شمال، شرق و جنوب سوریه و تداوم مذاکرات به ویژه در «ژنو» سوئیس است. آمریکا لازمه تقویت همسویی میان خود و روسیه را دستم کردن پیوند اتحاد این کشور با ایران و نزدیک کردن مسکو به تل‌آویو می‌داند. این سیاست در سرنروجه کار دولت «دونالد ترامپ» است؛ می‌ماه‌های آتی قرار خواهد گرفت. اما اگر این سیاست نتیجه ندهد، با آمریکا باید پایان جنگ در سوریه و حفظ نظام این کشور را بپذیزد و اسرائیل را قربانی کند یا خطر یک جنگ غیرمتعارف را به جان بخرد. به هر حال، باید منظر ماند و دید که چه پیش می‌آید.

بودند و نامی‌های مداوم این شهرهای مذهبی و حریمین شریفین، آن‌ها را در تیرس مداوم درگیری‌های نظامی قرار داده بود. در همان روزی که موصل سقوط کرد، منابع غیررسمی از حضور فرمانده سپاه قدس در عراق خبر دادند. حیدر الخویی تحلیلگر عراقی موسسه «چتم هاوس» انگلیس در صفحه توئیتر خود نوشت: «یک دوست و منبع آگاه به من گفت که قاسم سلیمانی بلافاصله وارد بغداد شده و شخصا از مراکز دفاعی بغداد بازدید کرده تا مطمئن شوداین شهر از استحکام دفاعی مناسبی برخوردار است.»

پس از مطمئن شدن از وضعیت دفاعی بغداد، هدف اول جلویی از پیش‌روی بیشتر داعش و هدف دوم، بازپس‌گیری مناطق تحت اشغال تعریف شد. فتاوی «جهاد کفای» آیت‌الله سیستانی علیه داعش نیز، زمینه را برای جذب و آموزش صدها هزار عراقی برای جنگ علیه این گروه تروریستی فراهم کرد. داوطلبان مردمی که در قالب «کمیته‌های بسیج مردمی» سازماندهی شدند، نقش اصلی را برای مقابله با داعش به عهده گرفتند. اکثر فرماندهان کمیته‌های بسیج مردمی از جمله هادی العلامری(وزیر کشور عراق و رئیس سازمان بدر) و «ابومهدی مهندس» (فرمانده کمیته‌های بسیج مردمی)، روابط نزدیکی با قاسم سلیمانی داشته و دارند و در کنار هم در جنگ ایران و عراق، علیه صدام حسین جنگیدند.فعالیت‌های قاسم سلیمانی در عراق محرمانه و دور از چشم رسانه‌ها بود. اما همزمان با شکست‌های بی‌دربی داعش نقش وی بیشتر آشکار شد. هر جا عراقی‌ها در جنگ با داعش به پیروزی رسیده‌اند، بلافاصله عکس‌ی از قاسم سلیمانی منتشر شده است. اولین تصویری که از قاسم سلیمانی منتشر شد پس از شکسته شدن محاصره شهر امرلی واقع در استان صلاح‌الدین بود.

از این روست که اکنون همه سردار سلیمانی را به عنوان یکی از بزرگترین فرماندهان نظامی دنیا مطرح می‌کنند. نقشی که وی در خنثی کردن تهدیدات تروریست‌ها در منطقه داشته و دارد را نمی‌توان با هیچ اقدام دیگری مقایسه کرد و اقدامات وی اکنون باعث شده تا امنیت ملی ایران بیش از گذشته تأمین شود.

سردار سلیمانی زمانی به درخواست دولت عراق مسئولیت مستشاری نظامی برای ارتش عراق را به عهده گرفت و به صحنه نبرد عراق وارد شد، که بغداد در شصت کیلومتری مناطق تحت اشغال قرار داشت و داعش تصرف پایتخت عراق را دور از انتظار نمی‌دید. سلمار، کاتلین و مناطق اطراف همه ناامن گردیدند. سردار سلیمانی می‌تواند به درخواست دولت عراق مسئولیت مستشاری نظامی برای ارتش عراق را به عهده گرفت و به صحنه نبرد عراق وارد شد، که بغداد در شصت کیلومتری مناطق تحت اشغال قرار داشت و داعش تصرف پایتخت عراق را دور از انتظار نمی‌دید. سلمار، کاتلین و مناطق اطراف همه ناامن گردیدند. سردار سلیمانی می‌تواند به درخواست دولت عراق مسئولیت مستشاری نظامی برای ارتش عراق را به عهده گرفت و به صحنه نبرد عراق وارد شد، که بغداد در شصت کیلومتری مناطق تحت اشغال قرار داشت و داعش تصرف پایتخت عراق را دور از انتظار نمی‌دید. سلمار، کاتلین و مناطق اطراف همه ناامن گردیدند. سردار سلیمانی می‌تواند به درخواست دولت عراق مسئولیت مستشاری نظامی برای ارتش عراق را به عهده گرفت و به صحنه نبرد عراق وارد شد، که بغداد در شصت کیلومتری مناطق تحت اشغال قرار داشت و داعش تصرف پایتخت عراق را دور از انتظار نمی‌دید. سلمار، کاتلین و مناطق اطراف همه ناامن گردیدند. سردار سلیمانی می‌تواند به درخواست دولت عراق

با روسیه نیاز دارد و به همین خاطر، به دنبال بحث بر سر منافع مشترک با این کشور است. هدف روس‌ها در سوریه، حفظ نظام «بشار اسد» است. اما مسکو با اسرائیل نه تنها خصومتی ندارد، بلکه به طور سنتنی، حافظ امنیت اسرائیل نیز هست. آن حسی که آلمان‌ها و غربی‌ها نسبت به رژیم اسرائیل دارند، و فکر می‌کنند طی سده‌های اخیر نسبت به یهودیان در اروپا ظلم کرده‌اند و باید به دنبال سرزمینی برای قوم آواره یهود باشند، به طور سنتنی و تاریخی در میان مقامات و مردم روسیه هم وجود داشته و دارد و آنها هم فکر می‌کنند

سوریه مثال شگافی برای این گزاره است؛ در سال ۲۰۱۱ آمریکا به دلایلی که در جای خود توضیح داده می‌شود، از طریق تروریست‌ها به سوریه ورود کرد و می‌خواست با امتزاج دو جریان تکفیری و بیبداری اسلامی، به عمر نظام سوریه پایان دهد و از این طریق، امنیت اسرائیل را حفظ کند. اما، به قول معروف، «حساب بازار با حساب خانه جور درنیامد»؛ از همان ابتدا روسیه و مقاومت وارد میدان شدند و جانب دمشق را گرفتند، و آمریکا برای اینکه معادلات جدید را به هم بزند، در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) تروریست‌های داعش را از سوریه و از طریق مرزهای طولانی استان الانبار عراق، وارد این کشور کرد. اما به مرور، ورق علیه تروریست برگشت و اکنون مسأ در مرحله حذف تدریجی و کامل داعش در عراق و حذف آنها در سوریه هستیم.

مرحله حساس

در حال حاضر دو اراده در سوریه مقابل هم قرار گرفته‌اند؛ اراده‌ای که می‌خواهد همه سرزمین سوریه را از تمام انواع تروریست‌ها پاک کند و اراده‌ای که قصد دارد بخشی از آنها را زنده و سرپا نگه دارد.

انفقا، همین موضوع، نقطه افتراق روسیه و ایران در سوریه نیز هست؛ روس‌ها برای حفظ منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود، «بشار اسد» حمایت می‌کنند، ولی ایران به خاطر آرمان دینی و انقلابی خود، یعنی «تابودی اسرائیل»، از حکومت سوریه حمایت می‌کند.

سپس، در یک صورت‌بندی نهایی، آمریکا برای حفظ امنیت اسرائیل، در صدد براندازی «بشاراسد» است؛ روسیه برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود، درصدد حفظ بشاراسد است و ایران نیز برای تابودی اسرائیل، از نظام سوریه دفاع می‌کند. با توجه به این صورت‌بندی هست که آمریکا توانست نظر مساعد روس‌ها را برای ایجاد آتش‌بس

و نتیجه‌بخش بوده و طرح‌های آمریکا را در سوریه و عراق به هم ریخته است. اما، از فردای فروپاشی داعش در موصل، اوضاع در سوریه حساس‌تر شده و از این پس، بیش از این هم حساس می‌شود و از جمله جاهایی که توسط دشمن تحت توجه قرار می‌گیرد، میزان استحکام پیوند ایران و روسیه است.

پيروزی بزرگ مردم عراق در موصل و پایان دادن به خلافت خود خوانده داعش، هر چند نقطه عطفی در تحولات منطقه محسوب می‌شود و پاکسازی دیگر مناطق عراق و همچنین، شکست تروریست‌ها در سوریه را برای نیروهای رزمی آسان کرد، ولی توطئه آمریکا‌نیز به همان نسبت در منطقه

پیروزی بزرگ مردم عراق در موصل و پایان دادن به خلافت خود خوانده داعش، هر چند نقطه عطفی در تحولات منطقه محسوب می‌شود و پاکسازی دیگر مناطق عراق و همچنین، شکست تروریست‌ها در سوریه را برای نیروهای رزمی آسان کرد، ولی توطئه آمریکا‌نیز به همان نسبت در منطقه

آزادی موصل و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران



می‌کند یکی از مهمترین پیامدهای آزادسازی موصل است و زمینه مانور دادن ایران در این منطقه را فراهم است. این مسئله به صورت مستقیم بر افزایش امنیت ملی ایران تأثیرگذار است.

دور شدن تهدید از مرزهای ایران

پیروزی تروریست‌ها در عراق می‌توانست منجر به ناامن شدن مرزهای ایران شود. در صورتی که تروریست‌ها موفق به اشغال بغداد می‌شدند، زمینه هجوم آن‌ها به مرزهای ایران فراهم می‌شد، هرچند آنان از کمترین توانایی جهت ناامن‌سازی جدی مرزهای ایران برخوردار نبودند، اما از لحاظ روانی پیروزی آنان در عراق، اربابان غربی و منطقه‌ای آن‌ها را جری‌تری می‌کرد و فشار علیه ایران افزایش می‌یافت. در چنین شرایطی آزادسازی موصل سبب اهمیت این موضوع زمانی است که یادآور

اشغال شهر موصل به عنوان مرکز استان نینوا توسط تروریست‌های داعش باعث شد تا عراق با یک بحران امنیتی عمیقی مواجه شود؛ بحرانی که حتی احتمال اشغال پایتخت عراق در آن نیز وجود داشت، اما دو روز قبل با آزادسازی کامل موصل سرانجام این تهدید برطرف شد. عملیات آزادسازی شهر موصل تقریباً از یک سال پیش آغاز شد و با توجه به این که رود دجله از مرکز این شهر عبور می‌کند، این رود، شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرده است. عملیات نظامی ابتدا در سمت شرقی موصل آغاز شد و با توجه به بافت مسکونی و جمعیتی غیرمتراکم شهر، این عملیات طی ۱۰۰ روز به پایان رسید و بعد از آن عملیات پاکسازی بخش غربی موصل آغاز شد. عملیات پاکسازی بخش غربی موصل با توجه به بافت جمعیتی و مسکونی متراکم و وجود کوچه‌ها و خیابان‌های تنگ و پیچ در پیچ، تقریباً ۹ ماه به طول انجامید. طبق گفته ابو الات الولانی، فرمانده گردان‌های میدالشهداء عراق، طی عملیات آزادسازی موصل حدود ۵ هزار تروریست داعشی کشته شدند و بر اساس اطلاعات موجود می‌توان گفت حدود ۱۵ هزار تروریست در موصل باقی مانده‌اند و با احتساب اینکه بالغ بر ۱۰ هزار نفر از آنها از موصل فرار کرده‌اند، می‌توان گفت هم اکنون حدود ۵ هزار داعشی در میان مردم مخفی شده و آماده ساماندهی مجدد اقدام علیه نیروهای عراقی هستند.

با آزادسازی کامل شهر موصل، مرکز استان نینوا، تپش شهر تلعفر و همچنین ۲۰ منطقه کوچک، غالباً در حومه شرقی و شمالی استان نینوا باقی می‌ماند که همچنان در اختیار عناصر داعش قرار دارد و برنامه بعدی نیروهای امنیتی عراق، آزادسازی شهر تلعفر است. بافت جمعیتی شهر تل‌عفر از قومیت ترک‌مان تشکیل شده و در آن ترک‌مان‌های شیعی و سنی حضور دارند و در حال حاضر این شهر تحت محاصره نیروهای حشد شعبی قرار دارد و با توجه به مخالفت طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تا به الان زمینه برای ورود نیروهای حشد به داخل شهر فراهم نشده است، با این وجود با آزادسازی موصل می‌توان کار داعش در عراق را پایان یافته دانست، چرا که موصل مرکز خلافت خودخوانده داعش است.

در این میان نکته قابل توجه اینکه فعال

^[1] عراق می‌توانست منجر به ناامن شدن مرزهای ایران شود

^[2] هرچند آنان از کمترین توانایی جهت ناامن‌سازی جدی مرزهای ایران برخوردار نبودند

^[3] از لحاظ روانی پیروزی آنان در عراق، اربابان غربی و منطقه‌ای آن‌ها را جری‌تری می‌کرد و فشار علیه ایران افزایش می‌یافت